مکث

راوی فیلم محمد رسول ا...

بسیاری از شما حتما نسخه دوبله فیلم محمد رسول ا... ساخته مشهور و ماندگار مصطفی عقاد را با صدای فریدون فرح‌اندوز، دیده‌اید. اما به شما پیشنهاد می‌کنیم یك بار هم نسخه زبان اصلی فیلم را با صدای ریچارد جانسون به عنوان راوی ببینید و بشنوید.

بجز بازی خوب بازیگران و موسیقی جادویی و تاثیرگذار موریس ژار، طنین و جذابیت صدای جانسون هم نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در جلب نظر تماشاگر خارجی و انگلیسی‌زبان به فیلم محمد رسول ا... دارد.

ریچارد جانسون بازیگر، نویسنده و تهیه‌کننده انگلیسی بود که ۳۰ ژوئیه ۱۹۲۷ به دنیا آمد و ۶ ژوئن ۲۰۱۵ در چلسی لندن درگذشت. او هنگام مرگ ۸۷ سال داشت. از فیلم‌هایی که ریچارد جانسون در آن نقش داشته است، می‌توان به پسری در پیژامه راه راه، لارا کرافت: مهاجم مقبره، بانو جین ژولیوس سزار، پرش! و خرطوم اشاره کرد. او همچنین در چند مجموعه تلویزیونی از جمله «لوییس» و «شاهد ساکت» ایفای نقش کرده بود.

دیالوگ‌های جذاب

یکی دیگر از نکته‌های فیلم، دیالوگ‌های روان و باورپذیر آن است و اگر هم قرار به معنویتی است، به جذابیت کلام برای تماشاگر هم توجه می‌شود. حتی برخی دیالوگ‌های فیلم که کمی طولانی است و به مونولوگ (تك‌گویی) هم پهلو می‌زند، جذاب نوشته و بیان می‌شود. سخنرانی جذاب ابوسفیان با بازی خوب ابوسفیان را به خاطر بیاورید که در نسخه دوبله فارسی و با صدای نصرا... مدقالچی هم جلوه‌ای درخشان دارد: «آیا محمد متوجه نیست که زندگی ما از طریق نگهداری بت‌ها سپری می‌شه؟ ما مالك کعبه هستیم. هر سال قبایل عرب میان اینجا تا عبادت و از ما خرید بکنن و نذورات میارن. انتظار داره ما ۳۰۰ خدا رو عوض بکنیم با یك خدا. اون هم خدایی که حتی دیده نمی‌شه ولی هم در طائف هست هم در مدینه هم در خانه من هم در اورشلیم هم در روی ماه. پس تکلیف مکه چی می‌شه؟ این خدایان هم معبود ما هستند هم منبع درآمد و شرف ما.» (برای شنیدن نسخه دوبله این سخنرانی می‌توانید به صفحه ویکی پدیای نصرا... مدقالچی بروید.)

اکران در شهرهای بدون سینما

فیلم محمد (ص) در ۴۵ شهر بدون سینما نمایش داده می‌شود.

سازمان امور سینمایی و سمعی و بصری به مناسبت هفته وحدت، فیلم سینمایی محمد (ص) به کارگردانی مجید مجیدی را در ۴۵ شهر بدون سینما نمایش می‌دهد.

به گزارش جام جم، فیلم محمد (ص) به کارگردانی مجید مجیدی در استان‌های مرزی توسط واحدهای سینما سیار دفاتر انجمن سینمای جوانان نمایش داده خواهد شد. بنابراین گزارش، این فیلم همچنین در ایام مبارك هفته وحدت توسط موسسه سینما شهر و با همکاری موسسه نور تابان (مالك فیلم) درسئانس‌های اختصاصی سینماهای فرهنگ، کوروش، جوان، آفریقا و ناهید با بلیت ۵۰۰۰ تومانی روی پرده می‌رود.

برای نخستین‌بار؛

شهرداری مشهد بدهی معوقه ندارد

با تلاش شهردار و تیم اقتصادی جدید، شهرداری مشهد از لیست سیاه بانك مرکزی و بورس خارج شد. به گزارش روابط عمومی معاونت اقتصادی شهرداری مشهد، عنوان کرد: شهرداری مشهد در ابتدای سال ۹۶ با رکود پرداخت بدهی‌های معوقه روبه‌رو بود، عدم پرداخت ۵ سری از سودهای علی‌الحساب اوراق مشارکت به شرکت سپرده‌گذاری بورس و سررسید اقساط بانك‌های شهر، تجارت و ملت، شهرداری را در انتشار اوراق مشارکت از سال ۹۶ به چالش کشیده بود. رضا خواجه نائینی افزود: بازار ثانویه اوراق مشارکت در بورس و فرابورس انجام می‌شود که براساس قوانین در هر دوره ۳ ماهه سود آن به حساب شرکت سرمایه‌گذاری جهت واریز به حساب دارندگان اوراق مشارکت انتقال می‌یابد، عدم تحقق این امر از ابتدای سال ۹۶ و در دوره گذشته، شهرداری مشهد را در لیست سیاه بانك مرکزی و بورس قرار داده بود که با روی کارآمدن شهردار و تیم جدید اقتصادی، پرداخت معوقات و خروج از لیست سیاه در اولویت قرار گرفت. وی اظهار داشت: تاکنون تنها ۲ کلانشهر مشهد و تبریز بدهی‌های معوقه خود را تسویه نموده‌اند و در حال حاضر شهرداری مشهد هیچ‌گونه بدهی معوقه‌ای ندارد.

راهپیمایی پاکستانی‌ها به عشق پیامبر(ص)

همزمان با آغاز هفته وحدت در پاکستان و سالروز میلاد پیامبر گرامی اسلام به روایت اهل سنت، آیین پیاده روی جشن میلاد پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) در شهرهای لاهور، اسلام آباد و کراچی پاکستان برگزار شد. این راهپیمایی در مرکز شهر کراچی، در محل «نشتر پارک» و نزدیک آرامگاه قائد اعظم محمدعلی جناح برگزار شد و در این آیین ها، دسته‌های بزرگ و کوچک عاشقان رسول اکرم(ص)، پس از نماز ظهر تا نزدیک اذان مغرب، در قالب راهپیمایی و در حال نعت و منقبت خوانی پیامبر، وارد نشتر پارک شدند.

این راهپیمایی‌ها و اجتماعات با منقبت خوانی و مدیحه سرایی پیامبر اعظم(ص) در خیابان های شهرهای لاهور و کراچی و اسلام آباد همراه است.

این راهپیمایی، در شهر لاهور پاکستان به سرپرستی علامه سید جواد نقوی رئیس حوزه علمیه عروة الوثقی شهر لاهور و با حضور هزاران عاشق اهل بیت عصمت و طهارت برگزار شد.

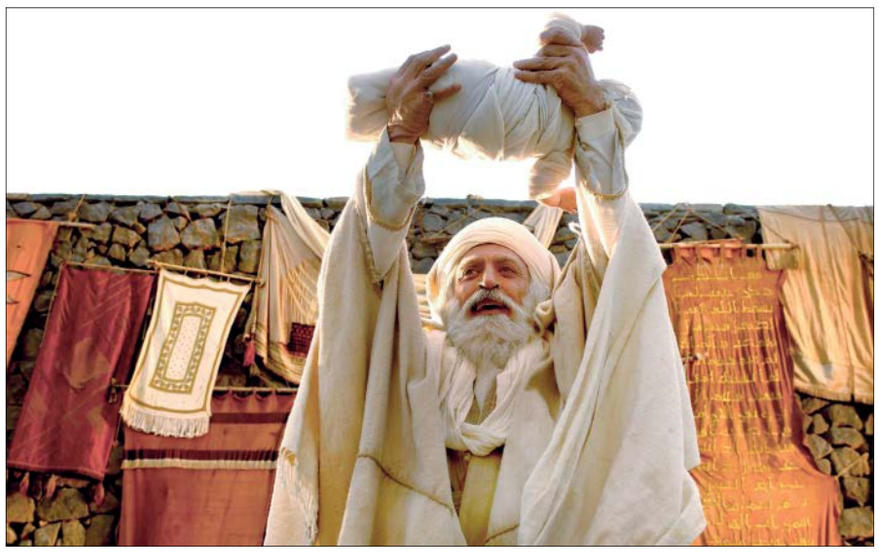

سمت چپ آنتونی کوئین به‌نقش حمزه در فیلم مصطفی عقاد سمت راست علیرضا شجاع‌نوری به‌نقش عبدالمطلب در فیلم مجید مجیدی

نگاهی به فیلم‌های محمد رسول ا... ساخته مصطفی عقاد و مجید مجیدی

پیامبر مهربانی در ۲ قاب

علی رستگار

سینما

مجید مجیدی سال ۹۴ و طی اظهارنظری، نکات جالبی را درباره فیلم «الرساله» یا همان محمد رسول ا... ساخته ماندگار مصطفی عقاد مطرح کرده بود. او گفت: «هر فیلمی نگاه متفاوتی را جلو می‌برد و این فیلم اساسا در مقایسه با فیلم عقاد نیست، از نگاهی دیگر ساخته شده است. ما هم یك نوستالژی نسبت به فیلم عقاد و نسبت به آنتونی کوئین داریم، در حالی که در دنیای غرب بالعکس است، یعنی اصلا با این فیلم ارتباط برقرار نشده است و خیلی‌ها معتقدند یکی از نقاط ضعف فیلم بازی آنتونی کوئین است! منظورم این است که همه چیز اینقدر مطلق نیست که فکر می‌کنیم.»

در ارزش کار فیلمساز شاخص، جهانی و ثابت‌شده سینمای ایران هیچ شکی نیست و نیت، همت و اقدام او برای ساخت اثری فاخر و یگانه درباره پیامبر گرامی اسلام، جای قدردانی فراوان دارد. سال‌ها بود که جای خالی فیلمی اینچنینی در سینمای ایران و حتی جهان احساس می‌شد و تنها فیلم قابل اعتنا در این زمینه، به اثر مشهور مصطفی عقاد منحصر می‌شد. حالا سینمای جهان و سینمای دنیای اسلام، دو فیلم شاخص در این خصوص دارد؛ یکی همان فیلم قدیمی و یکی هم فیلمی که مجیدی ساخته است. اما سوال اینجاست که تا چه حد می‌توان این بخش از اظهارات کارگردان بین‌المللی سینمای ایران را درباره فیلم عقاد جدی گرفت و آن را درست دانست؟ آیا واقعا بازی آنتونی کوئین در این فیلم ضعیف بوده است؟ آیا واقعا تماشاگران غربی و خارجی با این فیلم ارتباط برقرار نکرده‌اند؟ آیا مجیدی، فیلم خودش را اثر بهتر و شاخص‌تری نسبت به فیلم عقاد می‌داند؟ یا ما فکر می‌کنیم مرغ همسایه غاز است و واقعا فیلم مجیدی اثر شایسته‌تری نسبت به آن فیلم خارجی است؟ اگرچه حرف مجیدی درباره نگاه متفاوت دو فیلم درست است، اما در هر حال وجود فقط دو فیلم شاخص در این زمینه، مقایسه این دو اثر را ناگزیر می‌کند و تماشاگرانی که هر دو فیلم را دیده‌اند، خواه ناخواه آنها را با هم قیاس می‌کنند. در گزارش امروز صفحه سینمای جام جم و به مناسبت ولادت حضرت رسول اکرم (ص)، سراغ این دو فیلم تاریخی و دینی رفته‌ایم و نگاهی به روایت و نکات ویژه آنها انداخته‌ایم. با مروری اجمالی می‌توان به وضعیت آنها در مواجهه با مخاطب پی برد، هرچند هرگونه برداشت و تفسیر و تاویل و حتی قضاوت نسبت به این آثار، به هیچ وجه منکر نیت خیر و تلاش صادقانه آنها برای ارائه تصویری درست از دین اسلام و پیامبر مهربانی‌ها نیست و از این رو، هر دو فیلم به عنوان تنها آثار سینمای جهان در این زمینه، جایگاه والا و ویژه‌ای میان مخاطبان دارند. اگر هم بحث و نقد و نظری است مربوط به نکات فنی و تکنیکی است و نه چیز دیگر.

هرگونه برداشت و تفسیر و تاویل و حتی قضاوت نسبت به این آثار، به هیچ وجه منکر نیت خیر و تلاش صادقانه آنها برای ارائه تصویری درست از دین اسلام و پیامبر مهربانی‌ها نیست و از این رو، هر ۲ فیلم به عنوان تنها آثار سینمای جهان در این زمینه، جایگاه والا و ویژه‌ای میان مخاطبان دارند

محمد رسول ا... (مجید مجیدی)

مجید مجیدی فیلمساز شناخته شده، معتبر و مورد احترامی در سینمای جهان است. بنابراین کافی است برای همکاری با بهترین عوامل سینمای دنیا اراده کند؛ این اتفاق در فیلم محمد رسول ا... افتاد و برخی از شاخص‌ترین سینماگران جهان با مجیدی همکاری کردند. ویتوریو استورارو که سابقه همکاری با بزرگانی چون فرانسیس فوردکاپولا و برناردو برتولوچی را دارد، مدیر فیلمبرداری این فیلم بود و موسیقی فیلم را هم ای.آر. رحمان موزیسین جهانی و اسکاری هند ساخت. روبرتو پرپینانی، تدوینگر سرشناس سینمای ایتالیا هم تدوین فیلم مجیدی را برعهده داشت. با این همه مجیدی که قصد ساخت اثری جهانی درباره پیامبر را داشت، بهتر بود که از یکی دو بازیگر جهانی و شناخته شده هم در ترکیب بازیگران استفاده می‌کرد. این اتفاق دست‌کم باعث می‌شد، فیلم به دلیل وجود این بازیگران مشهور و محبوب، فرصت و امکان اکران در سینماهای آمریکا و اروپا و دیگر نقاط جهان را داشته باشد و از این طریق، پیام و مفهوم اثر هم به مخاطبان جهانی منتقل شود. اما اصرار مجیدی برای کار با بازیگران ایرانی، اگرچه پافشاری قابل تحسینی است، ولی هیچ برد جهانی و حتی منطقه‌ای ندارد، حتی در سینمای ایران هم ترکیب خوبی به حساب نمی‌آید و شاید فقط بخش اندکی از تماشاگران به قصد تماشای بازیگران این فیلم به سینما رفته باشند.

از همان نمای اولیه فیلم و آن طلوع خورشید می‌توان دریافت که با اثری شاعرانه و متکی بر تصاویر زیبا سروکار داریم. سواری از دور با صورتی پوشیده می‌آید که بعدا می‌فهمیم حمزه است. درواقع باوجود ادعای مجیدی، همین ورود بشدت یادآور نخستین حضور حمزه در فیلم مصطفی عقاد است. اما نه نقش حمزه در فیلم مجیدی تعیین‌کننده است و نه بازیگر مهم و شاخصی نقش او را بازی می‌کند.

شاید مهم‌ترین و مشهودترین ضعف فیلم، فیلمنامه آن باشد و مجیدی و کامبوزیا پرتوی بیشتر قطعاتی ادبی نوشته‌اند تا دیالوگ‌هایی جذاب و کاربردی و مبتنی بر درام. «حمایت از طردشدگان، بی‌احترامی به پیمان قریش است. همه سکنه مکه با هر کیش و آیین، موظف به رعایت آن هستند. نشان خیانت بر دستان این مردان می‌خورد تا عبرتی باشد برای دیگران.» این نخستین دیالوگ‌های فیلم است. جملات حمزه و ابوسفیان هم در ادامه چندان جالب نیست و به ادبیات پهلو می‌زند تا دیالوگ‌های فیلم. حمزه می‌گوید: «اگر شمشیری از نیام بیرون آید جوابش شمشیر خواهد بود.» ابوسفیان هم می‌گوید: «این عموزاده من حمزه است که روی پوشیده از شهر می‌گذرد و درشتی می‌کند.» حمزه ادامه می‌دهد: «از غبار راه پوشیده ام. با دشمنم چهره به چهره حرف می‌زنم.» ابوسفیان می‌گوید: «حرفت را بزن.» حمزه می‌گوید: «گوش شنوا و چشم بینایی نمی‌بینم.» ابوسفیان ادامه می‌دهد: «چشم و گوش مکه منم حمزه.» (این دیالوگ بسیار یادآور جمله «من مکه هستم» ابوسفیان در فیلم عقاد است).

صحنه‌های ساکن، کشدار و با ریتم کند، از نکات قابل اشاره فیلم مجیدی است؛ حرکت فیلم به سمت شاعرانگی و عرفان، اثر را از درام و روایت جذاب سینمایی دور کرده است.

در این فیلم هم از روایت و راوی استفاده می‌شود و این مسؤولیت به عهده شخصیت ابوطالب است. منتهی صدای منوچهر اسماعیلی (که اتفاقا دوبلور آنتونی کوئین در فیلم عقاد هم است)، به هیچ وجه روی صورت مهدی پاکدل نمی‌نشیند. گریم پاکدل در دوران کهنسالی ابوطالب هم کمی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. ضمن این‌که مواجهه صدای دوبله ابوطالب با صدای واقعی علیرضا شجاع نوری، بازیگر نقش عبدالمطلب هم همخوانی ندارد. انتخاب شجاع نوری به دلیل سابقه درخشان او برای بازی در نقشی دینی و تاریخی در فیلم روز واقعه، توجیه دارد و پذیرفتنی است، اما چون متن و صحنه‌های تاثیرگذار دراماتیك برای او نوشته نشده، در اجرا هم باوجود تلاش بازیگر راه به جایی نمی‌برد.

جلسه ابوسفیان با سران مکه و ابوطالب، حدود ده دقیقه از فیلم را می‌گیرد، در حالی که واجد نکته جذاب و دراماتیك خاصی نیست و انگار فقط قصد به رخ کشیدن طراحی صحنه و لباس و جزئیاتی از این دست را دارد.

سکانس سپاه ابرهه، اجرای خوبی دارد و صحنه‌های رم کردن فیل‌ها جذاب است، اما لطف و زحمت این صحنه‌ها، با اجرای ضعیف صحنه ابابیل خنثی می‌شود. تنها نقطه مثبت این سکانس، موسیقی خوب رحمان است.

شخصیت ساموئل با بازی محسن تنابنده حیران و سرگردان است و حضورهای هرازگاهی‌اش در قصه، هم مبهم است و هم به دور از جذابیت.

نشانه‌های تولد پیامبر، جلسات متعدد سران یهودی، نبردهای هرازگاهی فیلم، گشت و گذار کودکی پیامبر، حضور پیامبر و مادرش در میان اقوام در یثرب و بسیاری از صحنه‌های دیگر، صرفا کارکرد شاعرانه و زیبایی شناسانه دارند و پیش برنده قصه و درام نیستند. درواقع از میانه فیلم به بعد فیلم پر است از صحنه‌های زیبا و صرفا کارت پستالی و نماآهنگ گونه و انگار روایت سینمایی و دادن اطلاعات و نکته تازه‌ای به مخاطب فراموش می‌شود.

پایان فیلم هم اگرچه شاعرانه و تمثیلی است (همان دست‌هایی که داخل آب می‌روند) و به نوعی یادآور برخی دیگر از کارهای شاخص مجیدی است، اما پایان تاثیرگذاری برای فیلمی درباره پیامبر نیست.

انتظار می‌رود مجیدی در قسمت‌های بعدی فیلم که به دوران دیگری از زندگی پیامبر می‌پردازد، بیش از این، فیلمنامه‌ای جذاب دراختیار داشته باشد و به سمت روایتی سینمایی و نه صرفا شاعرانه حرکت کند.

محمد رسول ا... (مصطفی عقاد)

مهم‌ترین نکته درباره این فیلم، تکیه بر قصه‌گویی و روایت جذاب و عامه‌پسند است و فیلمنامه‌نویس (اچ. ای. ال. کریگ) و کارگردان (مصطفی عقاد) سعی کرده‌اند روایت خطی و جذابی داشته باشند. درعین حال آنها استفاده درستی از راوی کرده‌اند و فرض را بر بی‌اطلاعی تماشاگر از اتفاقات و روایات دوره صدر اسلام گذاشته‌اند. به عبارتی مخاطب مسلمان با دیدن صحنه‌ها، دانسته‌های خود را مرور می‌کند و مخاطب ناآشنا با تاریخ اسلام

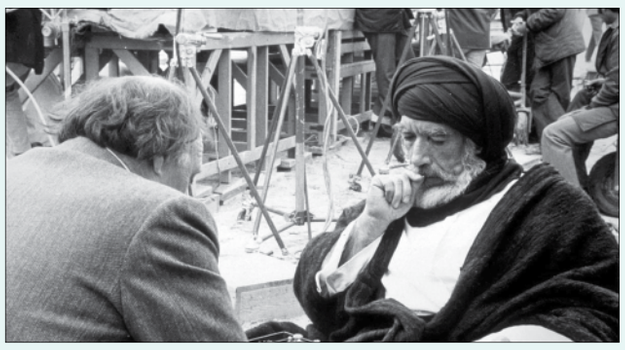

هم کنجکاوانه، روایت جذاب فیلم را پی می‌گیرد.

فیلم ریتم و ضرباهنگ خوبی دارد و بی‌معطلی انبوه رخدادهای آن دوره را روایت می‌کند. در شروع فیلم سه سوار را در بیابان می‌بینیم و کمی بعد درمی‌یابیم که پیك‌های پیامبر (ص) برای تبلیغ اسلام هستند و یکی به روم، یکی به مصر و یکی به ایران می‌رود.

بعد از واکنش فرمانروایان این سرزمین‌ها، تیتراژ با رنگ قرمز بر زمینه شن‌های بیابان ظاهر می‌شود و نام آنتونی کویین بر صفحه نقش می‌بندد که نقش حمزه، عموی پیامبر را بازی می‌کند.

یکی از نکات مهم فیلم، برخلاف آنچه مجیدی می‌گوید، حضور تعیین‌کننده آنتونی کویین در نقش اصلی است. عقاد با علم به جایگاه کویین در میان مخاطبان آن روز سینما و توانایی این بازیگر جهانی، او را برای نقش اصلی فیلمش انتخاب می‌کند تا برگ برنده اولیه را در اختیار داشته باشد. حضور یك بازیگر محبوب و تراز اول، به نوعی ویترین یك اثر سینمایی است و می‌تواند توجهات بسیاری را به اثر جلب کند. وقتی شخصیت اصلی درام یعنی پیامبر امکان نمایش ندارد، عقاد بدرستی یکی از شخصیت‌های نزدیك پیامبر را برای روایت و همراهی تماشاگر برمی‌گزیند و چه کسی بهتر از حمزه. همه p.o.v ها (نماهای نقطه نظر) پیامبر که حمزه روبه‌روی او قرار دارد، تاثیرگذار است و تماشاگر وجود پیامبر را احساس می‌کند. البته موسیقی جادویی موریس ژار هم نقش بسیار مهمی در این خصوص دارد.

هرچند ابوطالب، حامی همیشگی پیامبر است و در چند سکانس تاثیرگذار در فیلم حضور دارد، اما حمزه این حمایت را به شکل عملی نشان می‌دهد. عقاد برای نقش اول فیلمش احترام درستی قائل می‌شود و نخستین صحنه حضور حمزه، کاملا جذاب و سینمایی است. در دقیقه ۳۸ فیلم و وقتی مشرکان با سرپرستی و تحریك ابوجهل، درحال حمله به پیامبر و یارانش هستند، یکی فریاد می‌زند: «حمزه» و تصویر کات می‌شود به نمایی از حمزه که با صورتی پوشیده و کمانی در دست، با اسب می‌تازد و می‌آید.

در بخش‌های دیگر فیلم هم جلوه‌های دیگری از حمایت حمزه از پیامبر و مقابله با دشمنان را می‌بینیم و بدین ترتیب، بخش مهمی از درام با تکیه بر این شخصیت مهم و کاریزماتیك پیش می‌رود. اوست که پدر هند را می‌کشد و بعدتر باعث زبانه کشیدن آتش انتقام در این زن می‌شود. صحنه شهادت حمزه به دست وحشی، غلام حبشی هند هم از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین لحظات فیلم عقاد است.

دیگر بازیگران فیلم هم از مشهورترین و بهترین بازیگران آن سال‌های سینمای جهان هستند؛ از ایرنه پاپاس بازیگر نقش هند بگیرید تا مایکل آنسارا بازیگر نقش ابوسفیان.

معرفی شخصیت‌های مهم و اصلی و مکمل فیلم همگی به اختصار و در بهترین شکل ممکن صورت می‌گیرد و بعدا نقش آنها در طول قصه گسترش می‌یابد؛ معرفی شخصیت‌هایی چون ابوطالب، هند، زید، بلال، امیه، ابوسفیان، عمار، خالد و ... از این جمله‌اند.

شاید یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها در این زمینه، بلال حبشی باشد. در جلسه‌ای که در خانه ابوسفیان برپاست، ابوجهل از عمار درباره محمد (ص) و حرف‌هایش درباره اسلام پرس و جو می‌کند. تمرکز در این صحنه روی عمار است، اما بلال که برده امیه است را در گوشه چپ کادر می‌بینیم که سرپا ایستاده است. کمی که جلوتر می‌رویم، نقش او پررنگ‌تر می‌شود؛ وقتی عمار به‌زعم مشرکان خطا می‌کند، به بلال دستور می‌دهند که او را با شلاق تنبیه و به عبارتی تحقیر کند. اما بلال سر باز می‌زند و در سکانس بعدی خودش شلاق می‌خورد و شکنجه می‌شود. در ادامه فیلم زید، بهای آزادی او را به امیه می‌پردازد تا بلال از مرگ نجات پیدا کند. بلال است که بعدها اولین موذن تاریخ اسلام می‌شود و در فیلم و پس از فتح مکه بر فراز کعبه می‌رود تا مردم را به نماز فرابخواند.

صحنه‌های جنگی فیلم هم اجرای خوبی دارد و سال‌های صدر اسلام را آن‌طور که در روایات و تاریخ‌نگاری‌ها آمده، تداعی می‌کند. نمای ورود شمشیر دولبه ذوالفقار به قاب را به خاطر بیاورید که با ایجاز و به زیبایی، حضور حضرت علی (ع) در جنگ بدر را به تصویر می‌کشد. شنیدن تم حماسی موسیقی موریس ژار هم بر شکوه صحنه‌های نبرد فیلم اضافه می‌کند. صحنه‌های پایانی فیلم، تصاویری واقعی از مراسم باشکوه حج است. هنگام تیتراژ پایانی هم نماهای مختلفی از مساجد مختلف دنیا را می‌بینیم که روی آنها صداهای متعدد اذان شنیده می‌شود.